

سلسله مباحث کارگاه‌های آموزشی و هم‌اندیشی پیرامون:
بسترها و اقدامات قانونی و نهادی توسعه کارآفرینی در کشور
«کارآفرینی مبتنی بر دانش شرط لازم برای اشتغال مؤثر
دانش‌آموختگان آموزش عالی کشور»
(جلسه اول)

فهرست مطالب

پیشگفتار.....	۲
مقدمه	۴
۱. وضعیت اشتغال دانش‌آموختگان عالی در ایران	۵
۲. ساختار درونی بنگاه و رابطه بین سرمایه انسانی و فناوری	۶
۳. مفهوم و انواع کارآفرینی	۷
۴. کارآفرینی مبتنی بر دانش	۱۰
۵. فرایند کارآفرینی مبتنی بر دانش	۱۵
۶. اثر کارآفرینی مبتنی بر دانش بر اشتغال دانش‌آموختگان	۱۷
نتیجه‌گیری و پیشنهادات	۱۸
پرسش و پاسخ و هم‌اندیشی	۲۰
منابع و مأخذ	۲۸



سلسله مباحث کارگاه‌های آموزشی و هم‌اندیشی پیرامون:
بسترها و اقدامات قانونی و نهادی توسعه کارآفرینی هر کشور
«کارآفرینی مبتنی بر دانش شرط لازم برای اشتغال مؤثر
دانش‌آموختگان آموزش عالی کشور»
(جلسه اول)

زمان برگزاری: ۱۳۸۵/۳/۲۲، ساعت ۱۴-۱۶

نهادهای مدعو

- نمایندگان محترم عضو کمیسیون‌های اقتصادی، اجتماعی و آموزش و تحقیقات مجلس شورای اسلامی
- دفاتر مطالعات برنامه و بودجه، فرهنگی و فناوری‌های نوین مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی
- وزارت کار و امور اجتماعی، معاونت امور کارآفرینی
- دبیرخانه مجمع تشخیص مصلحت نظام
- سازمان صدا و سیما (جهاد خودکفایی)
- وزارت صنایع و معادن، معاونت برنامه‌ریزی و توسعه، سازمان گسترش و نوسازی صنایع، سازمان توسعه و نوسازی معادن و صنایع معدنی ایران، سازمان مدیریت صنعتی، سازمان صنایع کوچک و شهرک‌های صنعتی
- وزارت علوم، تحقیقات و فناوری (معاونت فناوری، مراکز رشد و پارک‌های علم و فناوری، مراکز کارآفرینی دانشگاه‌ها)
- وزارت جهاد کشاورزی (دفتر امور اقتصادی و توسعه سرمایه‌گذاری)
- وزارت آموزش و پرورش
- سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی (معاون امور تولید، معاون اجتماعی و معاون اقتصادی)
- جهاد دانشگاهی (سازمان همیاری اشتغال و فارغ‌التحصیلان، مرکز رشد فناوری اطلاعات)
- سازمان ملی جوانان
- سایر مؤسسات و مراکز پژوهشی: مؤسسه کار و تأمین اجتماعی، نشریه رشد فناوری، خبرگزاری اقتصاد، اندیشکده صنعت و فناوری، دفتر همکاری‌های فناوری ریاست جمهوری (پارک فناوری پردیس)



پیشگفتار

امروزه نقش مسلم نوآوری و کارآفرینی بر تحقق اقتصاد دانایی و نیل به توسعه پایدار جوامع آشکار گردیده و به دنبال خود توجه بسیاری از محافل دانشگاهی، مراکز تحقیقاتی، از حیث نظریه‌پردازی و نیز عرصه‌های تصمیم‌سازی و تصمیم‌گیری در سرتاسر دنیا را به خود معطوف نموده است.

در همین رابطه، موضوع کارآفرینی از جنبه گذار از سطح موجود و تقریباً ثابت به سطح بالاتر و پویای اقتصاد توجه بسیاری از سیاستگذاران، برنامه‌ریزان و اقتصاددانان کشورهای توسعه‌یافته و به ویژه کشورهای در حال توسعه را به سمت خود سوق داده است.

در کشور ما نیز براساس قانون برنامه چهارم توسعه و نیز سند چشم‌انداز بیست ساله کشور نیل به توسعه دانایی محور و کسب جایگاه برتر علمی و فناوری مورد تأکید قرار گرفته است که به نظر می‌رسد لزوم توجه بیش از پیش به مقوله کارآفرینی به لحاظ نقشی که در تحقق اهداف مذکور ایفا خواهد نمود ضرورت می‌یابد.

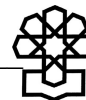
از این روی، دفتر مطالعات اقتصادی مرکز پژوهش‌های مجلس - به‌عنوان نهاد علمی پشتیبانی‌کننده از نهاد مقدس مجلس شورای اسلامی - در سال جاری بنا به تشخیص ضرورت مورد اشاره و نیز درخواست نمایندگان محترم، برنامه‌ریزی و تدوین راهکارهای توسعه کارآفرینی با تأکید بر شناسایی بسترها و اقدامات قانونی و نهادی مرتبط را در دستور کار خود قرار داد که در اولین مرحله از برنامه مذکور شش کارگاه آموزشی و هم‌اندیشی پیرامون کارآفرینی متعاقب آن برگزار گردید. این کارگاه‌ها اهداف، استراتژی‌ها و برنامه‌های ذیل را تعقیب می‌نمودند:

اهداف بلندمدت (چشم‌انداز)

- شناسایی مهم‌ترین عوامل تأثیرگذار جهت فراهم نمودن فضای مناسب کسب و کار و فعالیت‌های کارآفرینانه در حوزه قانونگذاری و سیاستگذاری بخش عمومی.
- بسترسازی جهت ایجاد بسترسازی و ایجاد اشتغال مولد و نیز تحرک عوامل تولید از طریق اصلاح ساختارهای حمایتی و برنامه‌ریزی در جهت طرح جامع توسعه کارآفرینی در کشور.

اهداف کوتاه‌مدت

- شناسایی نیازهای قانونی و نهادی کارآفرینان،
- تبیین موانع پیش روی کارآفرینی در کشور،
- تبیین نقش کارآفرینی در تحقق اهداف توسعه کشور.



استراتژی‌ها

- تعیین نقش نیروی کار جوان و دارای تحصیلات عالی در پیشبرد کارآفرینی،
- شناخت تاریخچه و ارائه تجارب و عوامل نیل به موفقیت کارآفرینان جوان و باتجربه،
- معرفی نقش حمایت‌های مالی و برنامه‌های مختلف در حمایت از حقوق کارآفرینان،
- ترویج اقتصاد کارآفرینانه جهت گذار از اقتصاد مدیریت شده،

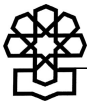
برنامه‌ها

- دعوت از اساتید فن و صاحب‌نظران کارآفرینی کشور جهت همکاری و تعامل با گروه اقتصاد کلان،
- تدوین و مستندسازی منابع، مطالعات و به ویژه پیاده‌سازی کارگاه‌های کارآفرینی در قالب کتاب کار.
- راه‌اندازی انجمن کارآفرینی کشور از طریق شبکه نخبگان مرکز پژوهش‌های مجلس با حمایت و همکاری فراکسیون اشتغال و کارآفرینی مجلس شورای اسلامی و وزارت کار و امور اجتماعی،
- برگزاری همایش با عنوان «کارآفرینی و اقتصاد دانایی بستر تحقق اشتغال مولد و نیل به اهداف چشم‌انداز ۲۰ ساله».

بدین منظور، آن چه پیش روی قرار دارد مجموعه مباحثی است که در قالب اولین کارگاه هم‌اندیشی ارائه شده است. بدیهی است، نیروی کار ماهر و متخصص به ویژه افراد دارای تحصیلات عالی از پتانسیل بالایی، برای این‌که فرایند کارآفرینی شکل گرفته، رشد و توسعه یابد برخوردارند. لذا جهت این‌که، این مهم میسر گردد طبعاً توجه به نقش نظام علم و فناوری کشور به ویژه دانشگاه‌ها و مراکز تحقیقاتی، مراکز رشد کسب و کار به‌عنوان زیرساخت اصلی در توسعه منابع انسانی ضروری می‌یابد. امید است مجموعه مباحث ارائه شده مورد استفاده محققان، تصمیم‌سازان و تصمیم‌گیران ایران اسلامی واقع شود.

در همین‌جا، از کلیه صاحب‌نظران، محققان جهت همکاری و دریافت نظرات و پیشنهادات دعوت به عمل می‌آید. ضمناً نمایه مطالب ارائه شده در کارگاه‌ها از طریق سایت شبکه نخبگان به آدرس

www.nokhbe.ir قابل دسترس است.



مقدمه

در کشورهای پیشرفته دانش آموختگان آموزش عالی انسانهای خلاق، یادگیرنده و کارآفرین هستند و نه تنها بیکاری برای آنها معنی ندارد بلکه برای افراد عادی نیز شغل ایجاد می‌کنند. در همین رابطه این انتظار وجود دارد که در ایران نیز دانش آموختگان آموزش عالی دارای چنین ویژگی‌هایی باشند. اما متأسفانه، در کشور ما آنها نه تنها این ویژگی‌ها را ندارند بلکه توانایی پیدا نکردن شغل مناسب خود را ندارند. آمارهای سال ۱۳۸۳ نشان می‌دهد که حدود ۸۸ درصد از دانش آموختگان آموزش عالی مزد و حقوق‌بگیر هستند (۷۱ درصد حقوق‌بگیر دولت و ۱۷ درصد حقوق‌بگیر بخش خصوصی)، ۱۳ درصد از آنها توانایی یافتن شغل مناسب را ندارند و ۲۰ درصد نیز در شغل‌های نامناسب مشغول به کارند.^۱

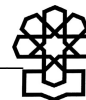
مهم‌ترین سئوالی که در این رابطه مطرح می‌شود این است که چرا دانش آموختگان آموزش عالی در ایران کارآفرین نیستند و حتی نمی‌توانند شغل مناسب خود را پیدا کنند؟ و چگونه می‌توان این مسأله را رفع کرد؟

به‌طور کلی سیاست‌گذاران و سیاست‌سازان ذی‌ربط و ذی‌صلاح برای حل این مسأله را به سه گروه می‌توان تقسیم کرد:

۱. سیاست‌گذاران و کارشناسانی که مشکل را از جانب آموزش عالی می‌دانند و بر این باورند که نظام آموزش عالی ایران نمی‌تواند انسان‌های کارآفرین و نیروی انسانی متخصص مورد نیاز نظام اقتصادی تربیت کند. بر این اساس راه حل را در اصلاح نظام آموزش عالی جستجو می‌کنند.
۲. سیاست‌گذاران و کارشناسانی که مشکل را از جانب نظام اقتصادی می‌دانند و بر این باورند که به دلیل پایین بودن سطح دانش فعالیت‌های اقتصادی، نظام اقتصادی توانایی جذب دانش آموختگان آموزش عالی را ندارد. بنابراین راه حل را در اصلاح نظام اقتصادی جستجو می‌کنند.
۳. گروه سوم از سیاست‌گذاران و محققان مشکل را دو جانبه می‌دانند. به نظر آنها از یک طرف نظام آموزش عالی نمی‌تواند انسان‌های با شایستگی کافی تربیت کند و از طرف دیگر نظام اقتصادی توانایی جذب انسان‌های با شایستگی کانونی را ندارد. بنابراین راه حل را در اصلاح همزمان و متقابل دو نظام فوق جستجو می‌کنند.

ما خود را از جمله محققان گروه سوم می‌دانیم و براین باوریم که راه حل مناسب این مسأله گسترش کارآفرینی مبتنی بر دانش است. بنابراین در این جا هدف، تحلیل کارآفرینی مبتنی بر دانش و نقش آن در بهبود اشتغال دانش آموختگان آموزش عالی است.

۱. مرکز آمار ایران (۱۳۸۳)، نمونه‌گیری از ویژگی‌های اشتغال و بیکاری خانوار - وب سایت مرکز آمار ایران.



ادامه بحث به این شرح، سازمان یافته است. در بخش اول، ضمن مروری بر ادبیات، مفهوم و انواع کارآفرینی بررسی می‌شود. در بخش دوم، فرایند کارآفرینی مبتنی بر دانش و عوامل مؤثر بر آن تحلیل می‌شود. در بخش سوم، اثر کارآفرینی مبتنی بر دانش بر اشتغال دانش آموختگان آموزش عالی تحلیل می‌شود.

۱. وضعیت اشتغال دانش‌آموختگان آموزش عالی در ایران

برای روشن‌تر شدن بحث، نمای کوچکی از فعالیت دانش‌آموختگان آموزش عالی با توجه به نمونه‌گیری مرکز آمار ایران از ویژگی‌های اشتغال و بیکار خانوار ارائه می‌شود. نرخ فعالیت^۱ دانش‌آموختگان آموزش عالی در ایران ۸۰/۲ درصد بود که بیش‌ترین نرخ مذکور به رشته‌های فنی و مهندسی (حدود ۸۷/۵ درصد) و کم‌ترین نرخ فعالیت در رشته‌های علوم انسانی (۶۹/۱ درصد) بوده است. از سوی دیگر نرخ عمومی بیکاری^۲ در دانش‌آموختگان حدود ۱۳ درصد بوده است که در همین رابطه بیش‌ترین نرخ بیکاری در رشته‌های علوم ریاضی و رایانه (۲۰/۵ درصد) و کم‌ترین نرخ مذکور در رشته‌های معماری و شهرسازی (۴/۳ درصد) بوده است. مضافاً این‌که نرخ اشتغال در جمعیت دانش‌آموختگان کشور مطابق آمار مذکور ۸۷ درصد بوده است.

حال ببینیم وضعیت اشتغال دانش‌آموختگان آموزش عالی با توجه به شغل‌های مختلف چگونه بوده است. بدین منظور فعالیت‌های اقتصادی از چند روش قابل اندازه‌گیری هستند و براساس آن تقسیم‌بندی می‌شوند. یک روش از طریق ارزش افزوده و کالاهایی که تولید می‌شوند است، روش دیگر با توجه به مشاغلی است که وجود دارند و برحسب وضع شغلی این محاسبه را می‌توان انجام داد. در این جا با توجه به وضع شغلی افراد و فعالیت‌های عمده اقتصادی در کشور به پنج گروه تقسیم می‌شوند که عبارتند از:

۱. شغل‌های مدیریت: منظور قانونگذاران، مقامات عالی رتبه و مدیران در سطوح مختلف سازمانی هستند.

۲. شغل‌های دانشی: همان متخصصان هستند.

۳. شغل‌های داده و اطلاعات: شامل تکنسین‌ها، دستیاران و کارمندان امور اداری و دفتری.

۴. شغل‌های خدمات: شامل کارکنان خدماتی و فروشندگان فروشگاه‌ها و بازارها و کلیه افرادی که مشغول فعالیت خدمات تجاری هستند می‌شود.

۱. منظور از نرخ فعالیت دانش‌آموختگان نیست جمعیت فعال به جمعیت مدرسین فعالیت است که در ۱۰۰ ضرب شده است.

۲. نرخ بیکاری دانش‌آموختگان از تقسیم جمعیت بیکار دانش‌آموختگان بر کل جمعیت فارغ‌التحصیل ضربدر ۱۰۰ به دست می‌آید.



۵. **شغل‌های کالا:** به کارگران و کارکنان ماهر کشاورزی، جنگلداری و ماهیگیری، ... همان‌گونه که در جدول ۱ نیز نشان داده شده است با توجه به نمونه آماری تهیه شده توسط مرکز آمار ایران در سال ۱۳۸۳، سهم دانش آموختگان آموزش عالی در شغل‌های مدیریت ۸/۹ درصد، در شغل‌های دانش ۵۳/۸ درصد، شغل‌های داده و اطلاعات ۱۷/۵ درصد، در شغل‌های خدمات ۶/۶ درصد و در شغل‌های کالا ۱۳/۴ درصد، فعالیت مشغول بوده‌اند. این در حالی است که تنها شغل‌های مدیریت، دانش و داده و اطلاعات مناسب برای دانش آموختگان هستند. افراد شاغل در شغل‌های خدمات و کالا که حدود ۲۰ درصد از کل دانش آموختگان آموزش عالی را شامل می‌شوند، در شغل‌های نامناسب فعالیت می‌کنند.

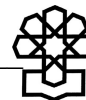
جدول ۱. سهم اشتغال دانش آموختگان آموزش عالی در گروه‌های شغلی مختلف

سهم اشتغال در هر گروه شغلی (درصد)	توضیح	گروه‌های عمده شغلی	
۹/۸	قانونگذاران، مقامات عالی رتبه و مدیران	شغل‌های مدیریت	شغل‌های مناسب برای دانش آموختگان
۸/۵۳	متخصصان	شغل‌های دانش	
۵/۱۷	تکنسین‌ها دستیاران کارمندان امور اداری و دفتری	شغل‌های داده و اطلاعات	
۴/۶	کارکنان خدماتی و فروشندگان فروشگاه‌ها و بازارها	شغل‌های خدمات	شغل‌های نامناسب برای دانش آموختگان
۶/۱۳	کارکنان ماهر کشاورزی، جنگلداری و ماهیگیری صنعتگران و کارکنان مشاغل مربوط، متصدیان (اپراتورها) ماشین آلات و دستگاه‌ها، مونتاژکارها و رانندگان وسایل نقلیه، کارگران ساده و سایر	شغل‌های کالا	

مأخذ: مرکز آمار ایران (۱۳۸۳) نمونه‌گیری از ویژگی‌های اشتغال و بیکاری خانوار.

۲. ساختار درونی بنگاه و رابطه بین سرمایه انسانی و فناوری

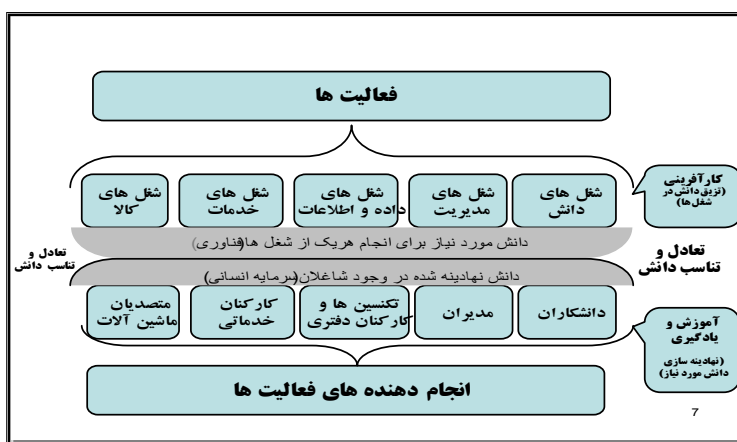
به منظور روشن شدن نقش کارآفرینی در ایجاد شغل و اشتغال برای دانش آموختگان آموزش عالی تحلیلی از ساختار درونی یک مؤسسه (بنگاه اقتصادی) ارائه می‌گردد. شکل ۱ نشان می‌دهد که فعالیت‌های اقتصادی در درون یک بنگاه در قالب ۵ گروه شغلی مورد



اشاره در قبل توسط پنج گروه از نیروی کار، انجام می‌شود. انجام فعالیت‌های گوناگون توسط نیروی کار در هر یک از این شغل‌ها نیازمند دانش مشخصی است. مجموعه دانش مورد نیاز برای انجام هر یک از این شغل‌ها، اصطلاحاً دانش چگونگی^۱ یا فناوری نامیده می‌شود. در مقابل، در وجود هر یک از شاغلان یا انجام‌دهندگان کار (نیروی انسانی)، دانش نهادینه شده وجود دارد که اصطلاحاً «سرمایه انسانی» نامبرده می‌شود. واقعیت این است که کلیه مشاغل مذکور به وسیله کارآفرینی ایجاد می‌شود و دانش مورد نیاز برای انجام آن‌ها نیز از طریق کارآفرینی تزریق می‌شود. دانش مورد نیاز برای انجام شغل‌ها، از طریق آموزش و آموزش عالی به‌طور خاص و یادگیری به مفهوم عام در دانش‌آموختگان آموزش عالی یا نیروی انسانی (افرادی که این شغل‌ها را انجام می‌دهند) نهادینه می‌شود.

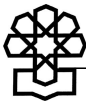
بنابراین در یک بنگاه با فعالیت پویا و رفتار عقلایی همواره بایستی دانش نهادینه شده در شغل‌ها با دانش نهادینه شده در نیروی انسانی در تعادل باشد. اگر دانش نهادینه شده در شغل بیش از دانش نهادینه شده در نیروی انسانی باشد و بالعکس، ثمره آن تنزل بهره‌وری و اثربخشی بنگاه یا مؤسسه مورد نظر خواهد بود. لذا از این بحث چنین استنباط می‌شود که کارآفرینی نقش مهمی در شکل‌گیری بنگاه‌های جدید و شغل‌های جدید و نیز تزریق دانش به مشاغل ایفا می‌کند.

شکل ۱. ساختار درونی یک مؤسسه اقتصادی (enterprise)



۳. مفهوم و انواع کارآفرینی

کارآفرینی اساس پیشرفت و تکامل سیستم‌های اقتصادی از ابتدای تمدن تا به امروز بوده است. با این وجود توجه علمی به آن تنها یک قرن قدمت دارد. در طول قرن گذشته ادبیات کارآفرینی بسیار گسترده شده است و در قالب چندین رشته علمی، به‌خصوص اقتصاد، روانشناسی، جامعه‌شناسی،



مردم‌شناسی و مدیریت گسترش یافته است. مبدا آن در جامعه‌شناسی به ماکس وبر^۱، در اقتصاد به شومپتر^۲، در تاریخ به کوله^۳، در روانشناسی به مک‌کله‌لند^۴، در مدیریت به استیونسون^۵ برمی‌گردد^۶.

تحقیقات سازمان یافته در رابطه با کارآفرینی تقریباً بعد از جنگ جهانی دوم آغاز گردید و در دهه‌های ۱۹۵۰ و ۱۹۶۰ به شدت گسترش یافت و فراگیر شد. در دهه‌های ۱۹۷۰ و ۱۹۸۰ با رکود مواجه گردید. اما در دو دهه اخیر با سبک و سیاق جدید مجدداً شروع به گسترش کرده است به طوری که امروزه به یک علم میان‌رشته‌ای و پیچیده موسوم به علم کارآفرینی تبدیل شده است.^۷ در ادبیات و تحقیقات کارآفرینی، مفهوم کارآفرینی به طرق، دامنه‌ها و از چشم‌اندازهای مختلف تعریف شده است. در یک مفهوم گسترده، کارآفرینی بعنوان فعالیت‌های بهبود ثبات اقتصادی، بهره‌برداری مؤثر از منابع، ایجاد ارزش اقتصادی جدید و فراهم سازی فرصت‌های اشتغال جدید، تعریف شده است.^۸ در مقابل، در یک مفهوم محدودتر کارآفرینی به معنی ایجاد یک گروه کاری و سازمان جدید است. شان و همکارانش^۹ یک تعریف بینابینی از کارآفرینی ارائه داده‌اند. به نظر آن‌ها کارآفرینی فرایندی است که فرصت‌های جدید ایجاد کالاها و خدمات، کشف، ارزیابی و مورد بهره‌برداری قرار می‌گیرد. طبق این تعریف، کارآفرین لزوماً دایرکننده یک سازمان جدید نیست، بلکه تاجری که فروشنده ایجادکننده فرصت را شریک خود قرار می‌دهد نیز یک کارآفرین است. با الهام از تعریف فوق می‌توان تعریف زیر را از کارآفرین ارائه داد:

فرآیند توسعه و بهره‌برداری از فرصت‌های تجاری جدید کارآفرینی نامیده می‌شود. فرصت‌ها جنبه‌هایی از محیط هستند که استعدادهای سودسازی را به نمایش می‌گذارند. این تعریف وجه اشتراک اکثر تعریف‌هایی است که تا کنون در رابطه با کارآفرینی ارائه شده است. از این رو اکثر محققان در مورد آن اتفاق نظر دارند. طبق این تعریف، کارآفرینی فرایندی توأم با خلاقیت است و کارآفرینان فعالیت‌های خلاقانه را بر عهده می‌گیرند و رهبری می‌کنند. البته، درجه خلاقیت در فرایندهای مختلف کارآفرینی متفاوت است. بعنوان مثال عهده دارشدن یک فضای توریستی در مقایسه با ایجاد یک رستوران جدید در یک تفریح‌گاه نیاز به خلاقیت بیشتری دارد.

1. Weber, 1904

2. Schumpeter, 1934

- البته بعضی از اقتصاددانان قبل از وی نیز به بحث کارآفرینی پرداخته بود. اما بحث کامل و دقیق در رابطه کارآفرینی ارائه نداده بودند. بحث آنها بیشتر اشاره و حاشیه‌ای بود.

3. Cole, 1959

4. McClelland, 1961

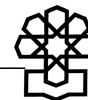
5. Stevenson, 1983

6. Groysberg, 2001

7. McKelvey, 2004

8. Yamada, 2002

9. Shane and et al, 2003



کارآفرینی انواع مختلف دارد. از چشم‌اندازهای مختلف می‌توان آن را دسته‌بندی کرد. جدول ۲، انواع کارآفرینی را از دو بعد عامل اصلی انگیزش و شخص کارآفرین بطور خلاصه به نمایش می‌گذارد. از نظر کارآفرین یا ایجاد‌کننده بنگاه جدید، کارآفرینی بر سه نوع است. اگر بنگاه جدید بوسیله یک فرد ایجاد شود کارآفرینی انفرادی نامیده می‌شود. اگر بنگاه جدید با مشارکت جمعی از افراد بوجود آید، کارآفرینی گروهی نامیده می‌شود و در نهایت اگر کارآفرینی بوسیله سازمان موجود انجام شود کارآفرینی سازمانی گفته می‌شود. اما از نظر عامل اولیه انگیزش کارآفرین به ایجاد و بهره‌برداری فرصت‌های جدید، کارآفرینی را به سه نوع می‌توان تقسیم کرد:

۱. **کارآفرینی مبتنی بر منابع:** در این نوع کارآفرینی، عامل اولیه انگیزش کارآفرینی وجود منابع مادی است و منشأ فرصت تجاری جدید نیز وجود منابع مادی (منابع مالی، منابع طبیعی یا زمین) در دسترس فرد است. فرد با بهره‌گیری از منابع مادی در دسترس خود، محصول یا خدمات موجود در بازار را تولید می‌کند. معمولی‌ترین نوع کارآفرینی، کارآفرینی مبتنی بر منابع است. این نوع کارآفرینی فقدان نوآوری و در قالب صنایع موجود، محصولات موجود را تولید و به بازار عرضه می‌کند.

۲. **کارآفرینی مبتنی بر تجربه:** در این نوع کارآفرینی عامل انگیزش اولیه کارآفرینی تجربه کارآفرین است. منشأ فرصت تجاری جدید نیز تجربه ی کاری یا فنی است که فرد در یک زمینه اقتصادی در هنگام کار، کسب کرده است. وی با بهره‌گیری از تجربه خود بنگاهی را تاسیس و کالا یا خدمات موجود یا بهبود یافته را تولید و به بازار عرضه می‌کند. این نوع کارآفرینی بعضی مواقع توأم با نوآوری افزایشی است و بعضی مواقع فاقد نوآوری است.

۳. **کارآفرینی مبتنی بر دانش:** در این نوع کارآفرینی عامل انگیزش اولیه کارآفرینی دانش و دارایی فکری کارآفرین است. منشأ فرصت‌های تجاری جدید نیز اختراعات و ایده‌های جدید ناشی از تحقیقات سیستماتیک هستند که در بنگاه‌های اقتصادی یا در نهادهای عمومی و آکادمیک شکل گرفته‌اند. در واقع، در این نوع کارآفرینی، فرایند کارآفرینی، یک فرایند تکاملی است که با تحقیقات آغاز می‌شود. اگر تحقیقات و اختراعات و ایده‌ها ناشی از آن منشأ علمی و دانشگاهی داشته باشد، کارآفرینی آکادمیک نامیده می‌شود. نوآوری (کلیدی، ریشه‌ای و افزایشی در محصول و فرایند) اساس کارآفرینی آکادمیک است.



جدول ۲. انواع کارآفرینی

سازمان	گروه	فرد	کارآفرین عامل انگیزش مبنا
کارآفرینی مبتنی بر منافع سازمان	کارآفرینی مبتنی بر منابع گروهی	کارآفرینی مبتنی بر منافع فردی	منابع مادی
کارآفرینی مبتنی بر تجربه سازمانی	کارآفرینی مبتنی بر تجربه گروهی	کارآفرینی مبتنی بر تجربه فردی	تجربه
کارآفرینی مبتنی بر دانش سازمانی	کارآفرینی مبتنی بر دانش گروهی	کارآفرینی مبتنی بر دانش فردی	دانش

لازم به ذکر است که در عصر اقتصاد کشاورزی و اوایل عصر صنعتی کارآفرینی عمدتاً مبتنی بر منابع مادی تعریف می‌شود، در اواخر عصر صنعتی کارآفرینی‌ها بیش‌تر مبتنی بر تجربه بودند. در عصر دانایی در اقتصاد دانش و اقتصاد مبتنی بر دانش، کارآفرینی‌ها عمدتاً مبتنی بر دانش هستند.

۴. کارآفرینی مبتنی بر دانش

کارآفرینی مبتنی بر دانش خود بر سه نوع است:

۱. کارآفرینی برای تولید دانش،

۲. کارآفرینی برای اشاعه دانش،

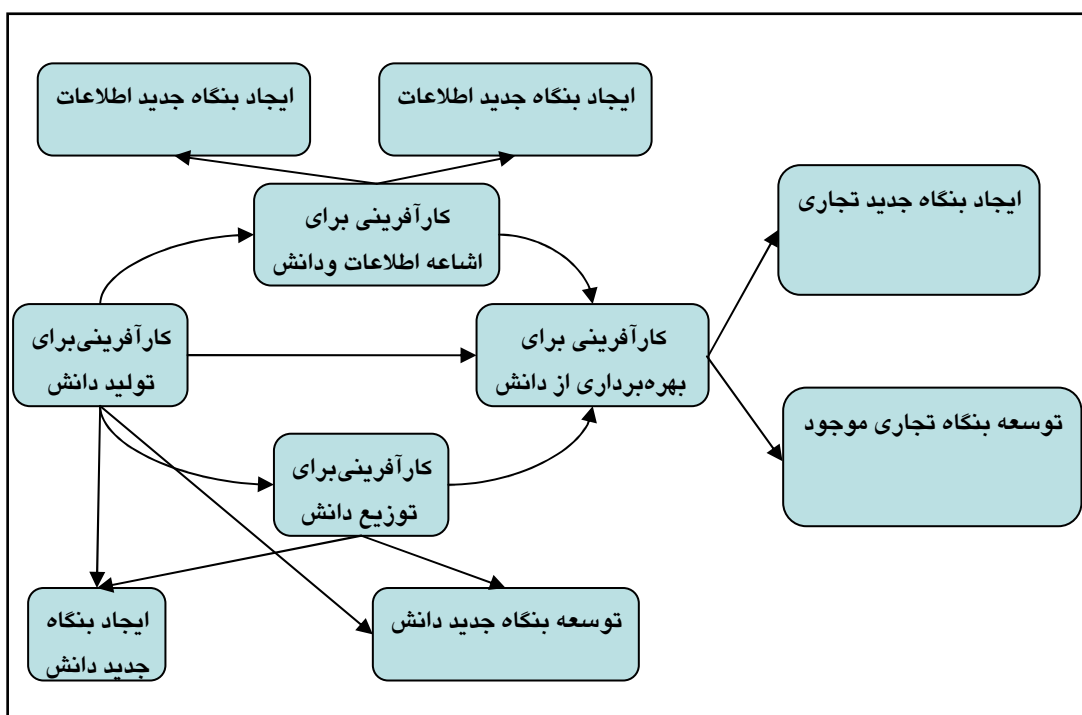
۳. کارآفرینی برای بهره‌برداری از دانش.

کارآفرینی برای تولید دانش موجب ظهور بنگاه دانش و توسعه فعالیت‌های تحقیقاتی می‌شود. کارآفرینی برای اشاعه دانش نیز موجب ظهور بنگاه‌های دانش و توسعه فعالیت‌های آموزشی در سطوح مختلف می‌شود. کارآفرینی برای بهره‌برداری از دانش موجب ظهور بنگاه‌های تجاری و توسعه فعالیت‌های تجاری می‌شود هر یک از این کارآفرینی‌ها اثر متقابل بر یکدیگر دارند و در کنش متقابل موجب توسعه اقتصادی می‌شوند.

مهم‌ترین شاخه کارآفرینی مبتنی بر دانش کارآفرینی به‌منظور تولید دانش است به‌عنوان مثال ایجاد یک مؤسسه تحقیقاتی به‌عنوان کارآفرینی جهت تولید دانش محسوب می‌شود. دومین نوع کارآفرینی به‌منظور اشاعه اطلاعات و دانش است. به بیان دیگر ایجاد یک مؤسسه انتشاراتی، راه‌اندازی یک وب‌سایت یا طراحی یک پورتال، همه جزء کارآفرینی مبتنی بر دانش به‌منظور اشاعه اطلاعات و دانش محسوب می‌شوند. کارآفرینی برای توزیع دانش سومین نوع کارآفرینی است که

به‌عنوان مثال دایر نمودن یک مدرسه یا تدوین و راه‌اندازی آموزش کارآفرینی در مؤسسات آموزشی یا دانشکده‌ها خواه انتفاعی یا غیرانتفاعی جزء دسته‌بندی مذکور لحاظ می‌شوند. شاخه آخر نیز، کارآفرینی برای بهره‌برداری از دانش تولید شده است. شواهد و مطالعات بسیاری، دال بر این است که شاخه کارآفرینی برای بهره‌برداری از دانش می‌تواند معادل کل کارآفرینی مبتنی بر دانش در نظر گرفته شود. در یک افق و چشم‌انداز بلندمدت کارآفرینی برای تولید دانش مقدم بر کارآفرینی‌های دیگر است این بیانگر این موضوع است که ابتدا می‌باید دانش تولید شده موجود باشد. اختراعی صورت گرفته باشد تا بعد، مرحله بهره‌برداری از آن محقق گردد و جنبه تجاری‌سازی از آن مطرح شود. به‌عبارت دیگر نمود کارآفرینی از این منظر در ایجاد مؤسسات اقتصادی جدید دانشی یا بنگاه‌های دانش نمود می‌یابد.

شکل ۲. انواع کارآفرینی مبتنی بر دانش و رابطه بین آن‌ها



هر یک از کارآفرینی‌های فوق ممکن است در نظام آکادمیک یا بیرون از آن صورت پذیرد. تمرکز بحث این مقاله بر کارآفرینی‌هایی است که در نظام آکادمیک اتفاق می‌افتد که کارآفرینی آکادمیک نامیده می‌شود.

کارآفرینی آکادمیک به مفهوم عام پدیده جدیدی نیست، چنین پدیده‌ای در قرن هفدهم در علوم پزشکی آلمان رخ داده بود. مثال مشهور دیگر در این رابطه شروع فعالیت اقتصادی شرکت کود



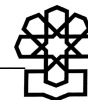
شیمیایی جاستاس لیبیگ^۱ در قرن نوزدهم است. معهذاً، این‌ها و دیگر بنگاه‌های شیمیایی مشتق از دانشگاه، نتوانستند جایگاه تحقیقات آکادمیک را در این کشور تحت تأثیر قرار دهند و دانشگاه کارآفرینی ایجاد کنند.

تشکیل بنگاه‌های مشاوره صنعتی، بنگاه‌های ابزارسازی علمی در قرن نوزدهم توسط دانشمندان فعال در دانشگاه‌های MIT و هاروارد نمونه‌های تاریخی از کارآفرینی مبتنی بر علم در ایالات متحده امریکا هستند. بن دیوید بعنوان جامعه شناس علم، در مطالعه‌ای که در رابطه با تحولات دانشگاه‌های آمریکا در اوایل قرن بیستم انجام داد، نشان داده است که آموزش تخصصی در دانشگاه‌های این کشور از اوایل قرن بیستم آغاز شد و کارکرد دانشگاه‌ها به طرف آموزش چگونگی انجام تحقیق و بکارگیری نتایج آن با استاندارد بالا جهت گیری شد. در این راستا دانشگاه‌ها آزمایشگاه‌های تحقیقاتی خود را به تدریج با تجهیزات و تکنولوژی مدرن توسعه دادند. براین اساس به تدریج تحقیقات سازمان یافته و استاندارد شده در دانشگاه‌های امریکا به صورت هنجار درآمد و بطور مستقیم موجب افزایش دانشمندان و ادارات کارآفرینی شد. طبق بحث بن دیوید مفهوم اولیه کارآفرینی مبتنی بر علم منسوب به دانشمندان آکادمیک در ایالات متحده امریکا است که تحقیقات تخصصی با مقیاس بزرگ را با کمک دانشجویان تحصیلات تکمیلی، تحت اداره تخصصی هدایت می‌کردند.^۲

همچنین اترکویتز^۳ نشان داده است که کارآفرینی مبتنی بر علم طی اواخر قرن نوزدهم در دانشگاه‌های آمریکا شکل گرفته است و تاریخ صد سال گذشته نهادهای آکادمیک ایالات متحده آمریکا حکایت از رشد فزاینده کارآفرینی مبتنی بر علم دارد. طبق مطالعات وی کارآفرینی مبتنی بر علم ابتدا در دانشگاه آمریکایی MIT^۴ ظاهر شد سپس الگوی کارآفرینی آن به سایر دانشگاه‌ها از جمله دانشگاه استنفورد^۵ انتقال یافت.

بنابراین امکان تجاری سازی نتایج تحقیقات و انتقال دانش به کاربردهای صنعتی برای مدت طولانی وجود داشت و تا حدودی شناخته شده بود، با این وجود تا اوایل دهه ۱۹۹۰ تعداد کمی از دانشگاه‌ها و محققان دانشگاهی فواید آن را مورد توجه قرار داده و جدی می‌گرفتند. اما از اوایل دهه گذشته تعداد زیاد و در حال افزایشی از محققان و دانشمندان آکادمیک بعضی یا تمام قدم‌ها و مراحل ضروری در فرایند کارآفرینی مانند نوشتن طرح، تأمین مالی، اجاره یا خرید محل، استخدام کارمند و غیره را برای شروع بنگاه جدید، واگذاری لیسانس، فروش حق امتیاز و غیره را در زمینه‌های مختلف علمی بخصوص در سه رشته کلیدی بیوتکنولوژی، تکنولوژی اطلاعات و

1. Justus Liebig
2. Oliver, 2004
3. Etzkowitz, 1998
4. Mas
5. Stanford



نانوتکنولوژی برداشته‌اند. لازم به تأکید است که فعالیت کارآفرینی مبتنی بر علم صرفاً به تکنولوژی‌های اخیراً اختراع شده و دانشگاه‌های تحقیقاتی محدود نمی‌شود. این نوع کارآفرینی قابل گسترش به تمام حوزه‌های صنعتی و علمی قابل گسترش است. کارآفرینی در زمینه‌های تولید دانش (تحقیقات) و توزیع دانش (آموزش عالی) به واسطه نوآوری در روش‌های پژوهشی و آموزشی نیز از مهم‌ترین حوزه‌های کارآفرینی علمی و دانشگاهی است.

البته توسعه فعالیت‌های کارآفرینی و مبتنی بر بازار به معنی تضعیف مأموریت‌های سنتی دانشگاه‌ها نیست. بین مأموریت‌های جدید و سنتی دانشگاه پیوستگی وجود دارد. هر دو نوع مأموریت‌ها ریشه تاریخی طولانی دارند. آنچه که در حال اتفاق افتادن است این است که آن‌ها به طرف توازن و تجانس بیشتر پیش می‌روند.^۱ در این راستا محققان^۲ نشان داده‌اند که بین افزایش فعالیت‌های کارآفرینی و ارزش‌های آکادمیک تضادی وجود ندارد. آن‌ها بطور همزمان و با همزیستی کامل و بصورت ترکیبی می‌توانند در یک دانشگاه وجود داشته باشند. کلارک برای ایجاد دانشگاه کارآفرین خاطر نشان کرده است که از یک طرف دانشگاه‌ها و دیپارتمان‌ها بایستی خود را با تغییرات بیرونی وفق دهند و دست به فعالیت‌های بازاری پسند بزنند و از طرف دیگر موقعیت تحقیقات پایه و ارزش‌ها و هنجارهای مربوط به این وظیفه کانونی دانشگاه را حفظ کنند. اتزکویتز^۳ اشاره کرد که دانشگاهی که نتایج تحقیقاتی خود را بطور روزمره برای تجاری سازی و توسعه پتانسیل علمی موشکافی و ارزیابی می‌کند و ظرفیت‌های داخلی خود را جهت تبدیل نتایج تحقیقات به دارایی فکری و فعالیت اقتصادی گسترش می‌دهد، در زمینه‌های دیگر نیز به نهاد علمی پویا و کیفی تبدیل می‌شود.

در عصر حاضر که عصر دانش نامیده می‌شود، دانشگاه‌ها بدلیل ویژگی‌های پایه مانند تولید و توزیع دانش جدید، جریان سرمایه انسانی در صورت‌های دانشجو و اعضای هیأت علمی که منابع بالقوه‌ای از مخترعان هستند، محل مناسبی برای نوآوری و کارآفرینی مبتنی بر دانش هستند. دانشگاه‌ها بعنوان مهم‌ترین مرجع تولید و اشاعه دانش جدید، می‌توانند کارآفرین تربیت کنند و با توجه به تکنولوژی‌هایی که توسعه می‌دهد شرکت‌های جدیدی را بنیان‌گذاری نماید. لذا، دانشگاه‌ها بطور بالقوه یک انکوباتور طبیعی و مادر بنگاه‌های دانش و مبتنی بر دانش هستند. به عبارت خلاصه‌تر دانشگاه بعنوان یک سازمان، اعضای هیأت علمی، دانشجویان و کارکنان بطور گروهی یا انفرادی می‌تواند کارآفرین باشد. کارآفرینی هر یک از آن‌ها، کارآفرینی مبتنی بر دانش است. دانشگاه کارآفرین توانایی ایجاد مسیر کانونی استراتژیک در هر دو زمینه فرموله کردن اهداف آکادمیک و تبدیل دانش جدید به ارزش اقتصادی و مطلوبیت اجتماعی را داراست.

1. Ylijoki, 2003

2. Clark, 1998 ; Looy and et al, 2003

3. Etzkowitz, 2003



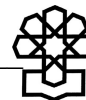
وقتی که از دانشگاه کارآفرین صحبت می‌شود منظور دانشگاه بعنوان یک سازمان است. فرایند کارآفرینی مبتنی بر علم در چارچوب سازمان دانشگاه بعنوان یک مأموریت سازمانی شکل می‌گیرد. بعضی از محققان^۱ از ظهور مأموریت سازمانی کارآفرینی در سازمان دانشگاه تحت عنوان انقلاب دوم آکادمیک یاد کرده و آن را با انقلاب اول آکادمیک که در اثر ظهور مأموریت تحقیقاتی در دانشگاه در اواخر قرن نوزدهم و اوایل قرن بیستم به وقوع پیوست، مقایسه کرده‌اند.

قبل از انقلاب اول آکادمیک، دانشگاه یک نهاد حفاظت‌کننده، توسعه و انتقال فرهنگی بود (یا درک می‌شد) که صرفاً مأموریت آموزش و انتقال فرهنگی به نسل‌های بعدی را تعقیب می‌کرد. بعد از انقلاب اول آکادمیک مأموریت تحقیقاتی نیز در سازمان دانشگاه ظاهر شد و آن را به یک نهاد علمی - فرهنگی تبدیل کرد. در این دوره دانشگاه در خدمت ارضای حس کنجکاوی انسان‌های کنجکاو و اندیشمند بود. این وضعیت تا انقلاب دوم آکادمیک ادامه یافت. بعد از انقلاب دوم آکادمیک در اواخر قرن بیستم دانشگاه مأموریت‌های تدریس و تحقیق را با مأموریت سوم یعنی کارآفرینی و انتقال تکنولوژی ترکیب کرده و به یک نهاد اقتصادی - علمی تبدیل شده و در خدمت توسعه اقتصادی قرار گرفت. در این راستا سازمان دانشگاه از کار فردی به کار گروهی انتقال یافت و به واسطه آن تکامل دو جانبه را در انجام وظایف خود تجربه کرد. وقتی که دانشگاه به واسطه ایجاد سرمایه فکری، سرمایه اجتماعی و سرمایه انسانی بطور صعودی پایه‌های توسعه اقتصادی را فراهم می‌کند، به یک نهاد کانونی در جامعه تبدیل می‌شود.

لازم به تأکید است که تاریخ تکامل سازمانی دانشگاه پیوسته است. یک وظیفه جدید از کوشش به انجام درست اهداف قدیم بیرون آمده است. لذا، دانشگاه‌ها حتی وقتی که اهداف و مأموریت‌های جدیدی را عهده دار می‌شوند اهداف سنتی خود را همچنان حفظ می‌کنند و آن را به نحو مطلوب‌تر انجام می‌دهند. تحقیقات ابتدا به منظور آموزش اثربخش‌تر و مطلوب‌تر بوجود آمد. کارآفرینی نیز برای ثمربخشی و انجام مطلوب تحقیقات ظاهر شده است. حتی قبل از اینکه دانشگاه بخواهد بنگاهی تأسیس کند گروه‌های تحقیقاتی به شبه بنگاه تبدیل شده‌اند.

البته شکل‌گیری مأموریت کارآفرینی در دانشگاه صرفاً ناشی از تکامل سازمانی دانشگاه نبوده است بلکه عوامل محیطی نقش مهمی در آن بازی می‌کنند. نیروی محرکه اولیه شکل‌گیری ظهور مأموریت کارآفرینی در اکثر دانشگاه‌های کشورهای پیشرفته، ارضای نیازهای گسترده به ایجاد بنگاه‌های مبتنی بر دانش برای تحریک اشتغال و رشد بهره‌وری در سیستم اقتصادی، فقدان سیستم رسمی تأمین مالی تحقیقات و فراهم سازی منابع مالی برای دانشگاه بوده است.

با همه این اوصاف مأموریت کارآفرینی تنها در دانشگاه‌های ایالات متحده آمریکا و چند دانشگاه اروپایی بطور طبیعی شکل گرفته است و به درستی عمل می‌کند. در سایر دانشگاه‌های دنیا بخصوص

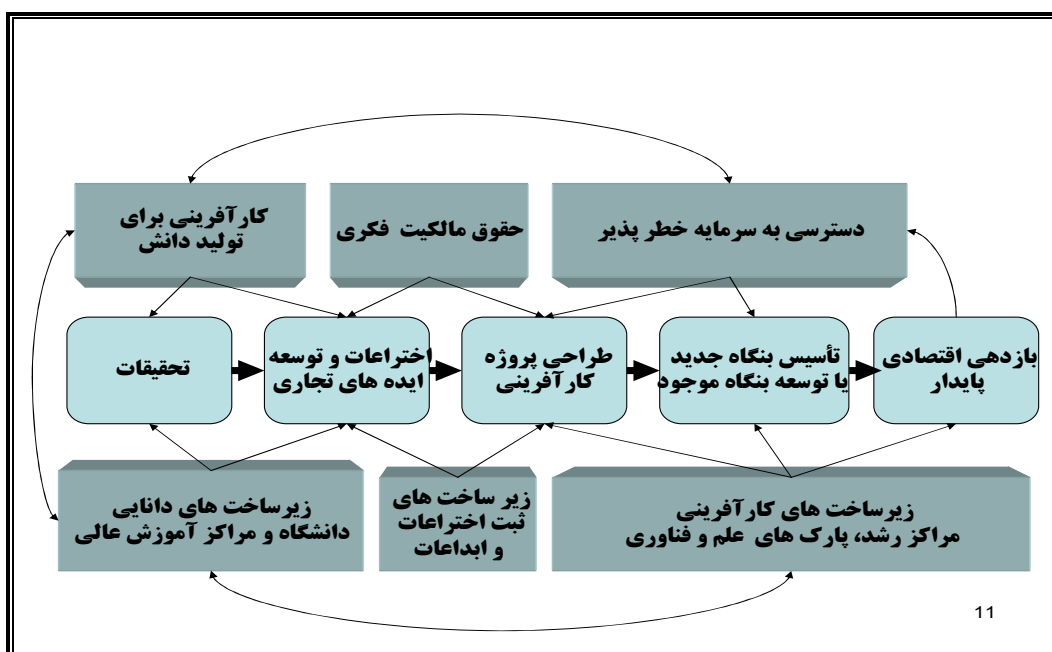


در دانشگاه‌های کشورهای در حال توسعه بخصوص در ایران، مأموریت کارآفرینی از جایگاه مطلوبی برخوردار نیست و لزوم دخالت اثربخش تر دولت را طلب می‌کند. بعضی از محققان^۱ نشان داده‌اند که توسعه سازمان تحقیقات گروهی، ایجاد پایه تحقیق با پتانسیل تجاری و توسعه مکانیسم‌های سازمانی تجاری سازی، از جمله شرایط لازم برای توسعه مأموریت کارآفرینی در دانشگاه است.

۵. فرایند کارآفرینی مبتنی بر دانش

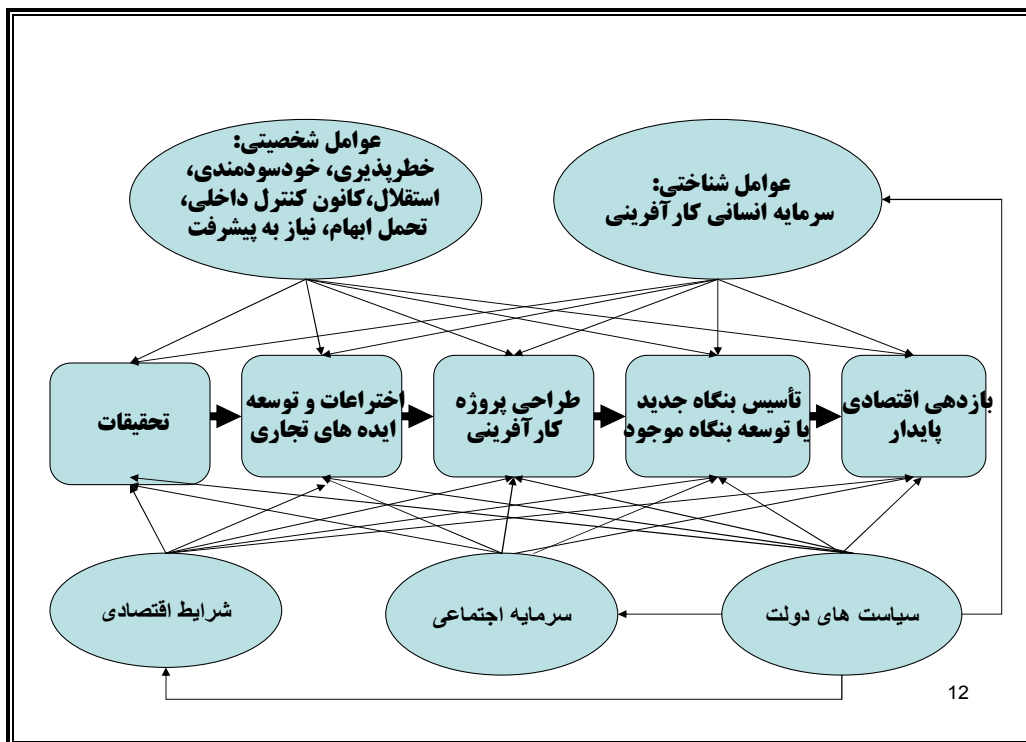
همان‌گونه که در قبل نیز اشاره گردید، کارآفرینی فرایندی است با مراحل گوناگون که البته خطی هم نیستند و ممکن است برای اجرا نیاز به زمان طولانی یا دوره زمانی بلندمدت داشته باشند. همان‌گونه که در شکل ۳ نیز آمده، اولین مرحله کارآفرینی تحقیقات است به‌طور خاص در کارآفرینی مبتنی بر دانش، تحقیق و نتایج حاصل از آن به توسعه ایده‌ای یا اختراع که دارای حق مالکیت معنوی باشد منجر می‌شود. در واقع پس از مرحله توسعه ایده است که ایده مذکور مورد ارزیابی واقع می‌شود. آنگاه بسته به این‌که امکان اجرای آن فراهم شده باشد و با در نظر گرفتن پیش‌بینی‌های آینده بهترین ایده‌ها برگزیده می‌شوند که در نهایت براساس بهترین ایده‌های منتخب، پروژه کارآفرینی طراحی می‌شود و در نتیجه بنگاه حاصل از آن ایده اشتقاق می‌آید.

شکل ۳. فرایند کارآفرینی برای بهره‌برداری از دانش



در صورتی که این فرایند در دانشگاه شکل بگیرد، بنگاهی که به وجود می آید بدان بنگاه مشتق از دانشگاه اطلاق می شود. به هر حال در مرحله آخر کارآفرینی، بازردهی و دستیابی و بازردهی اقتصادی پایدار است در خیلی از ادبیات مقالات موجود در حیطه کارآفرینی، این بازردهی اقتصادی مورد توجه قرار نمی گیرد در حالی که اصل مهمی در این جا حاکم است و آن این که بنگاه ایجاد شده تا زمان بازردهی اقتصادی پایدار، می باید محافظت شود (شکل ۴).

شکل ۴. عوامل مؤثر بر فرایند و مراحل کارآفرینی مبتنی بر دانش



به بیان دیگر شکل گیری کارآفرینی نیازمند بستر یا زمینه مناسب است. به گونه ای که اگر فرایند کارآفرینی به رودخانه تشبیه شود، این رودخانه حتماً می باید بستری داشته باشد. مهم ترین بستر در این زمینه همانا کارآفرینی برای تولید دانش است. زمینه دوم زیرساخت های کارآفرینی است که مراکز رشد،^۱ پارک های علمی^۲ و پارک های فناوری^۳ نقش ویژه ای ایفا می نمایند. علاوه بر این که دسترسی کارآفرینان به سرمایه خطرپذیر^۴ و امکان ثبت حق مالکیت معنوی^۵ به عنوان

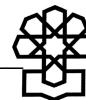
۱. منظور از مراکز رشد.

۲. منظور از پارک های علمی.

۳. منظور از پارک های فناوری.

۴. منظور از سرمایه خطرپذیر.

۵. منظور از حق قابلیت معنوی.



زیرساخت‌های دیگر مورد توجه و تأکید هستند. هر یک از این زیرساخت‌ها با یکدیگر در تعامل هستند و یکدیگر را از خود متأثر می‌سازند.

علاوه بر این عوامل بستر ساز، عوامل دیگر شناختی و شخصیتی وجود دارند که به قوام کارآفرینی منجر می‌شوند. در ارتباط با همین عوامل شناختی و شخصیتی گروهی از صاحب‌نظران بر این عقیده‌اند که اصلاً کارآفرینی اکتسابی نیست بلکه یک امر ذاتی است گروهی دیگر معتقدند این مسأله اکتسابی است و قابل آموزش هم می‌باشد. بر این اساس جزو عوامل شناختی است که از آن با نام سرمایه انسانی نیز یاد می‌شود. کارآفرینان می‌توانند با استفاده از آن به بهره‌برداری در فرایند کارآفرینی منجر گشته و به یک کارآفرین مبدل شوند. عامل مهم دیگر شرایط اقتصادی است که فراهم بودن آن در تسریع فرایند کارآفرینی مؤثر است. به عبارت دیگر هر وضعیت اقتصادی نمی‌تواند فرایند کارآفرینی را درون خودش شکل دهد. مهم‌ترین شرط از شرایط اقتصادی شکل‌گیری فرایند مذکور، رقابت و رقابت‌پذیری، آزادی مبادله و انتخاب هم برای مصرف‌کننده و هم برای تولیدکننده است.

از سوی دیگر عامل سرمایه اجتماعی، در برگیرنده اعتماد ملی و متقابل است. یکی دیگر از عوامل سیاست‌های دولت است، در واقع سیاست‌های دولت نه تنها بر شکل‌گیری فرایند تأثیر می‌گذارد بلکه به تقویت سایر عوامل مرتبط به کارآفرینی هم می‌انجامد.

۶. اثر کارآفرینی مبتنی بر دانش بر اشتغال دانش‌آموختگان

به‌طور کلی هر یک از انواع کارآفرینی مبتنی بر دانش آثار متفاوت و متنوعی بر اشتغال دانش‌آموختگان دارد.

در جدول ۳ میزان اثر انواع کارآفرینی مبتنی بر دانش بر اشتغال دانش‌آموختگان به تصویر کشیده شده است:



جدول ۳. میزان اثر انواع کارآفرینی مبتنی بر دانش بر اشتغال دانش آموختگان

نوع کارآفرینی	مصادق کارآفرینی	دانش آموخته دکترا	دانش آموخته فوق لیسانس	دانش آموخته لیسانس	دانش آموخته فوق دیپلم	دانش آموخته دیپلم	دانش آموخته زیر دیپلم
کارآفرینی برای تولید دانش	ایجاد مؤسسه تحقیقاتی جدید	خیلی بالا	بالا	متوسط	متوسط به پایین	پایین	خیلی پایین
	توسعه مؤسسه تحقیقاتی موجود	خیلی بالا	بالا	متوسط	متوسط به پایین	پایین	خیلی پایین
کارآفرینی برای توزیع دانش	ایجاد مؤسسه آموزشی جدید	خیلی بالا	بالا	متوسط به بالا	متوسط	پایین	خیلی پایین
	توسعه مؤسسه آموزشی موجود	خیلی بالا	بالا	متوسط به بالا	متوسط	پایین	خیلی پایین
کارآفرینی برای استفاده از دانش	ایجاد مؤسسه تجاری جدید	پایین	متوسط	خیلی بالا	بالا	متوسط	پایین
	توسعه مؤسسه تجاری موجود	پایین	متوسط	خیلی بالا	بالا	متوسط	پایین

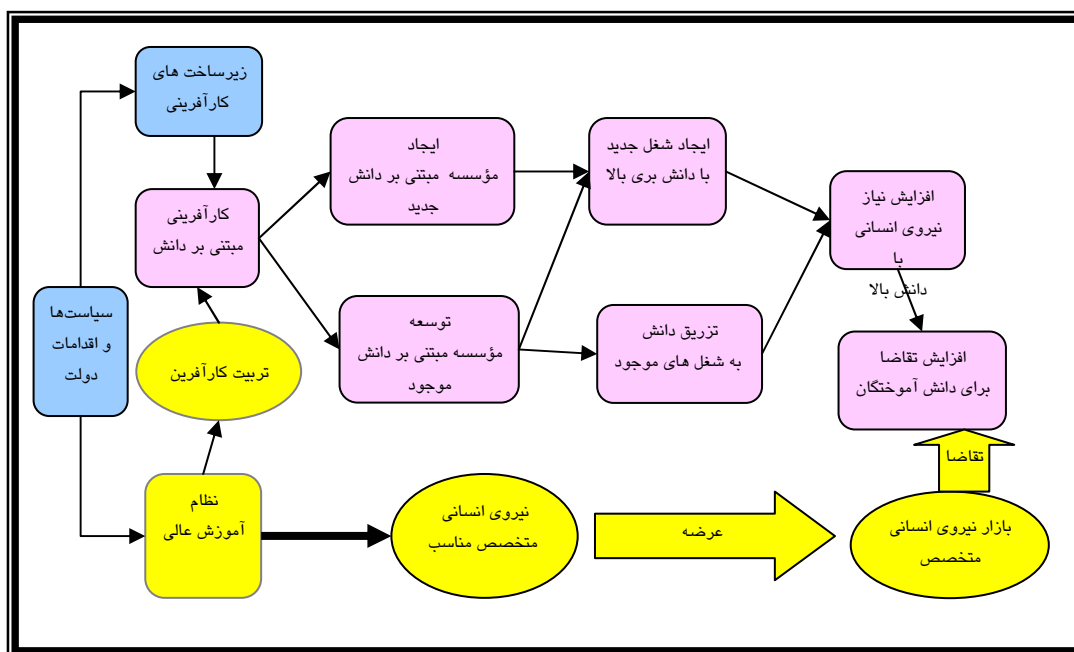
همان‌گونه که در جدول ۳ ملاحظه می‌شود، در کارآفرینی برای تولید دانش، از طریق ایجاد مؤسسه تحقیقاتی جدید و توسعه مؤسسات تحقیقاتی موجود میزان اشتغال بالایی برای دانش آموختگان مقطع دکتری به وجود خواهد آمد. هر چند از این طریق برای دانش آموختگان لیسانس هم ایجاد می‌شود ولی به اندازه اشتغال برای مقاطع فوق لیسانس و دکتری نیست. در کارآفرینی برای توزیع دانش، که منظور فعالیت‌های متمرکز بر آموزش و ترویج دانش است، نیز همانند نوع پیشین برای مقطع تحصیلی دکتری، اشتغال بالایی ایجاد می‌کند. این در حالی است که در کارآفرینی برای استفاده از دانش برای مقطع لیسانس بیش‌ترین اشتغال را ایجاد نموده و برای مقطع فوق لیسانس، میزان اشتغال متوسط و برای مقطع دکتری سطح پایینی را به خود اختصاص می‌دهد.

نتیجه‌گیری و پیشنهادات

بنابراین نتیجه این‌که به تبع کارآفرینی مبتنی بر دانش یک مؤسسه جدید اقتصادی تولد یا تجدید حیات می‌یابد. بر این اساس شغل‌های جدید با دانش‌بری بالا را ایجاد می‌کند و به دنبال آن دانش جدید به هر یک از مشاغل تزریق می‌شود این امر باعث می‌شود که نیاز به دانش آموختگان آموزش

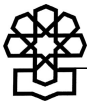
عالی افزایش یابد و در مقابل این موضوع را نیز باید در نظر داشت که در کارآفرینی مبتنی بر دانش، امیدی به ایجاد شغل برای دانش‌آموختگان پایین‌تر از دیپلم وجود ندارد نتیجه این‌که از یکسو نظام آموزش وظیفه تربیت نیروی انسانی را به عهده دارد، کارآفرین تربیت نماید تا کارآفرینی مبتنی بر دانش شکل بگیرد. و این باعث می‌شود که نیاز به نیروی انسانی متخصص افزایش یابد و از سوی دیگر، می‌باید نیروی انسانی متخصص مناسب را تولید کند و به بازار عرضه نماید. در واقع این‌جا یک حلقه باطل شکل می‌گیرد و آن این‌که کارآفرینی مشروط می‌شود به تربیت انسان‌های کارآفرین در سطح نظام آموزش عالی (همان نظامی که می‌باید افراد خلاق، کارآفرین و یادگیرنده تربیت کند) این مستلزم انجام اقداماتی است که براساس آن نظام آموزش عالی) متحول شود، زیرساخت‌های کارآفرینی از طریق اتخاذ سیاست‌های مناسب تقویت و تحقق یابد (شکل ۵) لذا در این‌جا مجدداً نقش و سهم دولت تبلور می‌یابد.

شکل ۵. جمع بندی نتیجه‌گیری



بنابراین به اجمال پیشنهادات ذیل ارائه می‌گردد:

- ایجاد ترم کارآفرینی در رشته‌های دانشگاهی (البته نه به صورتی که اکنون جنبه اختیاری و عمدتاً ناکارآمد در دانشگاه‌ها وجود دارد).
- تجدیدنظر در روش‌های آموزش، یادگیری و برنامه‌های درسی.
- ایجاد بازاری برای سرمایه خطرپذیر که بتواند منابع مالی کارآفرینان را تأمین بکند.



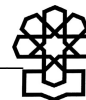
- توسعه زیرساخت‌های ثبت اختراعات.
- ایجاد دانشگاه‌های تحقیقاتی و تشویق کارآفرینی در دانشگاه‌ها.
- اصلاح قانون مالکیت فکری که در کشور از جایگاه مطلوبی برخوردار نیست.

پرسش و پاسخ و همندیشی

افشین حیدرپور: در حال حاضر مقوله کارآفرینی در کشور (به‌ویژه در نظام علم و فناوری دانشگاه‌ها) از حیث نهادها و بسترها به خوبی توسعه و گسترش داشته است. مراکز کارآفرینی، مراکز رشد، پارک‌های علم و فناوری که همان بسترهای مورد نظر هستند ایجاد شده‌اند. ضمن این‌که در بعد ملی تاکنون ۳ دوره از جشنواره کارآفرینی برگزار شده است به بیان دیگر اکنون دانش کارآفرینی در کشور در حال نهادینه شدن است و به زعم اینجانب این مرحله لازم است که اقدامات و برنامه بسط داده شوند، عمیق‌تر شوند و کارآمدتر شوند. حال سؤال این است آیا زمان آن نرسیده که سازمان یا نهاد مشخصی متولی این اقدامات شود به گونه‌ای که مخاطبان اصلی یعنی کارآفرینان بیش از پیش از طریق آن نهاد یا سازمان حمایت شوند. البته منظور اینجانب تشکیل یا اضافه نمودن یک ساختار بوروکراتیک به ساختارهای موجود نیست بلکه چه بسا از طریق آن نهاد بتوان قانون حمایت از کارآفرینان، قانون حمایت از نوآوری و همین‌طور کسب و کارهای کوچک و متوسط دانایی محور را جاری نمود. تأکید می‌شود، سخن بر سر این نیست که کارآفرینان که تاکنون با مشکلات و محدودیت‌های پیش‌رو مواجه بوده‌اند از این طریق مشکلی بر مشکلات آن افزون گردد بلکه قصد آن است که کارآفرینان بیش‌تری تحت پوشش حمایت‌های مالی و معنوی قرار گیرند. این سازمان دغدغه‌اش این باشد که فضای آرام ایده‌پردازی و تحقق ایده و ارائه نمونه تولید یا خدمت ناشی از آن را برای کارآفرین فراهم نماید. از سوی دیگر با توجه به این‌که هم اکنون حدود ۲ میلیون نفر از فارغ‌التحصیلان در بازار کار جمعیت بیکار و در جستجوی کار هستند لذا بخش عمومی و دولت هم ظرفیت و توان ایجاد اشتغال در خود را ندارد به بیان دیگر اکنون زمان آن رسیده که از اقتصاد مدیریت شده به اقتصاد کارآفرینانه گذر کنیم.

در آن صورت است که بستر لازم برای اشتغال فارغ‌التحصیلان فراهم می‌شود در واقع کارآفرینی یکی از نتایجش می‌تواند اشتغال باشد.

دکتر بهروز تصدیقی: در بررسی که در کشور امریکا انجام گرفته، نخبگان و شاگردان اول دانشگاه‌های آن کشور درصد بالایی‌شان عملاً مستخدم و حقوق‌بگیر بوده‌اند و اصلاً جنبه کارآفرینی نداشته‌اند.



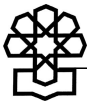
اینجانب مدرکی دارم که براساس آن نشان می‌دهد که ۵۰ کارفرمای بزرگ امریکا، ژاپن و کره جنوبی این‌ها هیچ وقت تحصیل‌کرده نخبه دانشگاهی نبوده‌اند. آقای دکتر انتظاری سؤالی برای اینجانب مطرح است و آن این‌که به گفته شما ۵۳/۸ درصد دانش‌آموختگان آموزش عالی ایران در شغل‌های مناسب خودشان هستند. در حالی که در کشور ما این طور نیست. می‌توان این موضوع را به پیچ و مهر تمثیل نمود که مهره نوع شغل و پیچ، شاغل است اگر تیم به مهره نخورد، مسلماً پیچ و مهره هرز می‌شوند. موضوع دیگر این‌که به قول فریدمن، آموزش عالی یکی از ارکان لاینفک رشد GDP است. سؤال همین است پس چرا در ایران به‌خصوص پس از انقلاب با وجود تأسیس و گسترش این همه دانشگاه و مراکز آموزش عالی رشد تولید ناخالص داخلی کشور حالت لاک پشتی به خود گرفته است؟ به رغم بنده اشکال در پرداختن به تئوری‌ها در بطن آموزش عالی و عدم صرف نمودن وقت به کارهای تجربی، عملی و در واقع عدم آموزش مهارت است. اشاره به سیاست‌های دولت شد، وقتی ۸۰ درصد اقتصاد ایران در دست بخش دولت شد چگونه می‌توان انتظار داشت که کارآفرینی رشد کند و توسعه یابد همه می‌دانیم استقلال تابعی است از تولید و تولید تابعی است از سرمایه‌گذاری بنابراین وقتی که سرمایه‌گذاری، تولید ناخالص داخلی ۱۲ درصد باشد، نمی‌توان کارآفرینی نمود.

حمید صراف: واژه کارآفرینی در قرن ۱۶ از یک واژه نظامی اخذ شد. آن موقع که فرماندهان می‌توانستند ابتکاری به خرج دهند، قدرت رهبری و مدیریت خوبی داشته باشند. پس از آن واژه مزبور به عرصه جامعه‌شناسی وارد شد و مبنای این بحث قرار گرفت که کارآفرین چه کسی است و چه ویژگی‌هایی دارد و چه تفاوتی با غیر کارآفرین دارد؟

در سال ۱۹۰۷، این موضوع به عرصه اقتصاد، آموزش عمومی، فنی و حرفه‌ای و آموزش عالی تسری می‌یابد.

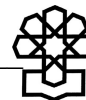
در سال ۱۹۷۰، دو نفر با نام‌های کالیز و مور، کارآفرینی را به طور مستقل تعریف می‌کنند. درست ۳ سال بعد فردی به نام **سوس پابر** عنوان می‌کند که به جای تأکید روی فرد می‌توان این موضوع را در قالب سازمان و نهاد تعریف نمود. تقریباً ۱۲ سال بعد فردی به‌نام **پپین کات** می‌آید. این دو تفکر «فردی» و «سازمانی» را با یکدیگر ترکیب می‌نماید و سازمان کارآفرین را به‌وجود می‌آورد وی می‌گوید که به سراغ نهادهای اقتصادی تولیدی، علمی و آموزشی باید رفت و در این راستا نباید به دولت تأکید نمود.

دکتر سیاوش مریدی: به اعتقاد این‌جانب بیش از آنچه که باید و شاید به تحصیلات دانشگاهی که مورد نظر جناب آقای دکتر انتظاری هست باید روی مهارت و انعطاف در شغل تأکید کرد. اتفاقی که



در حال حاضر در نظام آموزش در حال رخداد هست. حدود سه دهه پیش در چین، هندوستان و پاکستان رخ داده است و آن به تأخیر انداختن اشتغال افراد است به گونه‌ای که فرد جویای کار، فعلاً اشتغالش ۴ سال به تأخیر بیفتد تا بعد. این یک نکته که پیشنهاد می‌کنم اگر آقای دکتر انتظاری در مدل‌شان لحاظ کنند جامعیت بیش‌تری پیدا خواهد کرد. نکته دیگر در خصوص پیشنهاد ایجاد بازار سرمایه خطرپذیر، در شرایط کنونی که هر یک از بخش‌های اقتصادی در رکود قرار دارند و به عبارتی پول و سرمایه بازار داغی دارد و در عین حال فرار است از سوی دیگر تزریق پول نیز از سوی دولت صورت می‌پذیرد. که به زعم این‌جانب در شرایطی منجر به بروز رانت نیز می‌گردد. ایجاد ارزش افزوده نمی‌کند و در نهایت وارد بخش غیررسمی می‌شود. حال اگر بخواهد از طریق یک نهاد یا سازمانی که متولی کارآفرینی باشد اجرائی شود می‌باید روش کار با حدود و اختیارات معین تعریف گردد. لذا این پیشنهاد را می‌باید خیلی با احتیاط عنوان نمود. چرا که دولت نمی‌تواند به تقاضاهای مورد نظر در خصوص وام و نقدینگی پاسخ دهد. بنابراین تقاضای مذکور جیره‌بندی و سهمیه‌بندی می‌شود. بعد وارد کانال بوروکراتیک اداری می‌شود در نهایت این موضوع باعث می‌شود پولی که به کارآفرینی و خلاقیت تخصیص داده شده بود به زمینه‌های دیگری که سود بیش‌تری دارند و لزوماً جنبه‌های نوآورانه را شامل نمی‌شوند هدایت شوند. البته شاید بهتر باشد در این باره به جای لفظ سود، از لغت رانت استفاده شود.

سیدکوروش حسینی: هدف اصلی این جلسه می‌تواند علاوه بر شناسایی مشکلات، ارائه راه حل نیز باشد پیشنهاد این‌جانب این است که بحث بر پایه روانشناسی رشد باشد. یعنی اگر صرفاً بخواهید روی فقط آموزش عالی دست بگذارید، احتمال شکست خیلی زیاد است چرا که بحث خلاقیت از سنین بزرگسال نیست و خلاقیت فقط در دانشگاه‌ها مطرح نمی‌شود. خلاقیت از سنین کودکی مطرح می‌شود. شما بازی‌های خلاقانه را در نظر بگیرید والدین می‌توانند در آن نقش داشته باشند بدون این‌که تحصیلات عالی داشته باشند و نظر بر این است که هم نظریه مطرح است شبیه این ارائه‌ای که آقای دکتر انتظاری ارائه نمودند و هم مهارت نیاز است. لذا در مورد خانواده‌ها اگر صحبت می‌شود الزاماً نباید دانش داشته باشند. نکته دیگر این‌که این یادمان نرود که چه کسانی مدارس و دانشگاه‌های ما را اداره می‌کنند؟ کسانی که خلاق هستند؟ کسانی که دولتی هستند و با سیستم کارمندی - یعنی سیستمی که در آن ساعاتی را کار می‌کنند دروس را تدریس می‌کنند و دستمزدی دریافت می‌نمایند حال دستاوردهای آن قابل ارزیابی است. به زعم بنده، در این سیستم خلاقیتی نیست. به عبارت دیگر اصل در این سیستم و نهادی که ما به دنبال ایجادش هستیم بر همکاری است و نه انتقاد و بیان مشکلات.



مرتضی پرهیزگار: درباره نوآوری، علم و فناوری پیشنهاد این است که درخصوص روابط درونی بین نوآوری، علم و فناوری توجهی بیش از پیش مدنظر قرار گیرد. این که فرایند کارآفرینی از کجا شروع می شود تا حدود زیادی مشخص است. نکته ای در این خصوص مطرح است این که چه اقدامی در جهت فعالیت فارغ التحصیلان صورت پذیرد تا به تبع آن بستر اشتغال نیز فراهم شود. راه حل اصلی در این است که واقعاً بر روی کارآفرینان متمرکز شویم این تمرکز به معنای برداشتن موانع پیش رو از یک سو و ارائه اقدامات حمایتی از سوی دیگر است. به خصوص سیستم های حمایتی در این زمینه نقش اصلی را ایفا می نمایند. مسأله اصلی در این جا شناسایی استعداد های نهفته است و در این باره نیاز به نگرش های جدید است. یکسری از این نگرش ها در بدو پرداختن به فرایند کارآفرینی لازم است. علاوه بر این پرداختن به فضای کار فرهنگی و کار آموزش اقدام مهم بعدی است. به عقیده اینجانب اگر این بحث می خواهد مبنای تهیه قانون توسعه کارآفرینی در کشور یا حمایت از کارآفرینان قرار بگیرد. نیاز به بسط دارد. به عنوان مثال لزوماً می باید میان اختراعات و توسعه ایده های تجاری و طراحی پروژه های کارآفرینانه چند مرحله در نظر گرفته شود و این مراحل هر یک در نهادها و مؤسسات مخصوص به خودش انجام پذیرد. این در حالی است که وقتی قصد آن است که تحقیقات ایده های تجاری انجام شده در دانشگاه یا مراکز R & D در موفقیت عملیاتی به زبان سازمانی ترجمه شود، یک مقدار قضیه پیچیده تر می شود و نیاز به تکمیل و تدقیق بیش تر است.

دکتر رضا مقدس: اصولاً سؤالات مرتبط با امر کارآفرینی را می توان در قالب چند سؤال مشخص به صورت ذیل خلاصه نمود:

- چه کسی، چه گروهی یا چه سازمانی کارآفرینی می کنند؟
 - فرد، گروه یا سازمان چرا کارآفرینی می کنند؟
 - فرد، گروه یا سازمان چگونه کارآفرینی می کنند؟
 - کارآفرینی تحت کدام شرایط زمانی و مکانی به وقوع می پیوندد؟
- به بیان دیگر هنجارهای قالب بر یک محیط کارآفرینانه چیست؟ چه بازارها یا باورهایی باید در اجتماع نهادینه گردد تا کارآفرینان بتوانند به فعالیت پرداخته و سبب رشد توسعه اقتصادی و ... شوند.

پیشنهاد مشخص این است که ابتدا غایت و هدفی که این جلسات کارآفرینی و اشتغال با توجه به نمونه سؤالات فوق الاشاره در پی آن است، تعریف شود و به دنبال آن نقش های مناسب مورد انتظار برای نهادهای مرتبط و همچنین نتایج مورد انتظار از مباحث را مشخص نماییم.

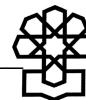


طبعاً در حوزه قانونگذاری نیز برعهده مرکز است که زمینه‌های تسهیل و نیل به این اقدام فراهم شود.

علی حلاج: اگر سؤال را این چنین فرض کنیم که چه اقدامی باید صورت پذیرد تا به واسطه آن پس از اتمام تحصیل افراد در دانشگاه، بدون این که استخدام شوند معیشت را با ارائه خدمتی حل کنند به بیان دیگر این خدمت ارائه شده، تقاضایی دارد که میل به پرداخت پول برای آن وجود دارد. لذا این که بحث به سمت مبانی آموزش و این که افراد چگونه تربیت می‌شوند به عقیده اینجانب خیلی بنیادین می‌شود. درست نظیر این که به دنبال یک بحث بنیادین در علم فیزیک باشیم. اما به هر حال قصد آن است که آبی به جوش آید اگرچه تابع آن نظر بنیادین است لکن سراغ آن نرفته و صرفاً به دنبال روشن کردن آتش هستیم. بنابراین اگر تمام بحث متمرکز شود بر این که چگونه انسان کارآفرین تربیت شود. موضوع زمینه صرف تربیتی پیدا می‌کند. به همین منظور پیشنهاد این است که می‌باید سراغ راه‌حل‌های عملی، قابل اجرا و کارآمد بود. به بیان دیگر باید دید آیا می‌توان بستر رقابتی را فراهم نمود یا خیر؟ موضوع دوم آموزش، آن هم آموزش برای لحظه‌ای که فرد می‌خواهد وارد بازار شود یعنی مهارت، می‌باید مبتنی بر هدف باشد. در واقع هر ساعت که به دانش‌آموز یا دانشجو در سطوح مختلف آموزش - اعم از آموزش رسمی یا غیررسمی - داده می‌باشد باید ارزیابی شود که این آموزش می‌خواهد چه چیزی را در آینده تأمین نماید؟

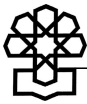
موسی الرضا ثروتی: باعث خوشحالی اینجانب و سایر اعضای کمیسیون اجتماعی هست و خواهد بود تا محققان و پژوهشگران عرصه اشتغال و کارآفرینی در جهت رفع مشکلات بیکاری ایجاد اشتغال مولد و فراهم نمودن بسترهای لازم توسعه کارآفرینی تلاش مجددانه‌ای مبذول دارند. تاکنون از سوی مردم طرح‌های متعددی به نمایندگان مطرح شده است که نیاز به جامعیت و پختگی لازم دارند. از سوی دیگر به دلیل مشغله‌های بسیار نمایندگان مردم، نیازمند مساعدت مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی و همچنین بخش‌های مطالعاتی و تحقیقاتی دستگاه‌ها، نهادهای دولتی و غیردولتی است. پیشنهاد مشخص این است که از بین این جلسات کارگروهی تشکیل شود به گونه‌ای که نمایندگان مردم نیز از نتایج آن بهره‌مند گردند. به خصوص درباره مشاغل زودبازده که از سوی دولت طرح گردیده است.

مشاغل زودبازده به مشاغلی گفته می‌شود که در آن تعداد نیروی کار در بنگاهی پنجاه نفر نیروی انسانی کم‌تر باشد از سوی دیگر سهم سرمایه‌گذاری در آن کم است و فاصله رسیدن به هدف هم کوتاه و حداقل یک یا دو سال می‌باشد. به عقیده اینجانب موضوع نیاز به بررسی بیشتر



دارد. موضوع مهم‌تر این است که تا چه حد از مشکلات جامعه از این طریق مرتفع می‌شود. به تعبیری پنج میلیون نفر بیکار در جامعه وجود دارد هر سال هم ۷۵۰ هزار شغل باید ایجاد شود تا میزان بیکاری ذکر شده ثابت بماند و بیشتر نشود.

در حوزه انتخابیه جوانان به اینجانب مراجعه نموده‌اند. وقتی درباره وام ضربتی ۳ میلیون تومان گذشته از آن‌ها سؤال می‌شود در پاسخ ضمن اعلان عدم فایده آن گفته می‌شود اگر امکان بازپرداخت یک‌جا باشد اقدام خواهند نمود. این مسأله نشان‌دهنده آن است که بسترها و مطالعات آمایشی و متناسب با پتانسیل‌های موجود در هر منطقه مورد مذاقه قرار نگرفته است. به همین دلیل نیز سیاست مذکور با توفیق همراه نبود. لذا بیکاران مذکور مبدل شدند به بیکاران بدهکار و مشکلات عدیده‌ای ایجاد شده است. هم‌اکنون در ارتباط با تسهیلات زودبازده در استانی که نماینده و ناظر آن‌جا مجمع مالی در شورای اشتغال آن‌جا هستم. بررسی شده است از ۱۰۸ میلیارد تومان، یک میلیارد تومان هم جذب نشده است. بنابراین این موضوع نیاز به بررسی دارد که مطالعه شود آیا کارآفرین‌ها شناسایی نشده بودند؟ آیا کارآفرینان واقعی به درستی تأمین مالی نشده‌اند؟ اصولاً کارآفرین به چه فردی اطلاق می‌شود؟ در منطقه‌ای که اینجانب نماینده آن هستم، فردی جوشکار ساده است. اما با استفاده از توانایی خلاقیت و ویژگی نوآوری خود توانسته ماشین‌های برش آسفالت را تولید کند. این فرد یک کارآفرین است اما ابزار کار و تسهیلات مالی لازم را برای تولید انبوه ندارد و صرفاً توانسته نمونه تولید را ایجاد نماید. زمانی که به بانک معرفی می‌شود، بانک وثیقه و چک می‌خواهد و ضمانت و چون توانایی این کار را ندارد، عقب‌نشینی می‌کند. به همین خاطر ۱۰۸ میلیارد تومان مذکور در همین چارچوب دچار گیر و اشکال شده است. اینجانب شخصاً ایده‌ای به ذهنم خطور کرده که می‌باید مورد ارزیابی قرار گیرد با سازمان شستا (شرکت سرمایه‌گذاری تأمین اجتماعی) نیز مذاکراتی صورت پذیرفته است. بحث آن‌ها بر سر این است که راجع به سرمایه‌گذاری در استان‌های مختلف، قبل از بحث ایجاد اشتغال، سودآوری عامل مهم‌تری برای ایشان محسوب می‌شود. البته چون این‌ها می‌باید حقوق اعضای تأمین اجتماعی را تأمین نماید. به همین جهت روی صناعی که ۳۵ درصد کم‌تر سودآوری داشته باشند وارد نمی‌شود. می‌گویند مشاغلی چون پتروشیمی، صنایع دارویی و شیمیایی که بالای ۳۵ درصد سودآوری داشته باشد معرفی نمایید. به همین ترتیب سازمان گسترش و نوسازی صنایع ایران رفتار نموده است. در رفتار سرمایه‌گذاری نیز براساس مطالعات و تحقیقاتشان ۳ یا ۴ گزینه را مطرح می‌کنند گفته می‌شود که سرمایه‌گذار با ما مشارکت کند. به‌گونه‌ای که سازمان گسترش و صنایع ۴۵ درصد و سرمایه‌گذار ۵۵ درصد سرمایه آورده باشد. به دلیل مشکلات موجود نوعاً سرمایه‌گذار نمی‌آید. به خصوص با شرکت‌های دولتی که هر کدام یک تنگناها و مشکلات خاص خود را دارند مشارکت



نمی‌کنند. همه می‌دانید اکنون ۸۰ درصد اقتصاد دولتی است امسال هم بیشترین افزایش سهم را باز هم شرکت‌های دولتی داشته‌اند. به‌گونه‌ای که قبلاً بودجه شرکت‌های دولتی ۹۹ هزار میلیارد تومان بود الان ۱۳۵ هزار میلیارد تومان است به اصطلاح سرمایه‌گذاری شرکت‌های دولتی. خوب در این رابطه هم باید دید انتخاب چه گزینه‌ای بهینه‌تر است؟ برخی معتقدند اگر سازمان دولتی یا شرکت‌های دولتی چون دانش و تخصص لازم را دارند. چون تجربه قدیم را دارند می‌توانند در بخش‌هایی سرمایه‌گذاری کنند. قسمتی از سهم خود را به جوانان بفروشند یا به نوعی مشارکت مردم در سرمایه‌گذاری‌ها را افزایش دهند. همین بحثی که در توزیع سهام عدالت مطرح است. امسال دولت موظف شد ۴ هزار میلیارد تومان از مطالبات سازمان تأمین اجتماعی بازنشستگی و آستان قدس، شهرداری‌ها را پرداخت نماید. حال یا از طریق واگذاری کارخانجات یا به هر ترتیب دیگر. از سوی دیگر بدهی دولت به بانک مرکزی نیز وجود دارد، اخیراً ۱/۵ میلیارد دلار پیشنهاد پرداخت با قید دو فوریت از طریق دولت عنوان شد، یک فوریت هم تصویب نشد به‌گونه‌ای که به شکل عادی در جریان دستور کار مجلس قرار گرفت. در واقع سخن بر سر این است که با توجه به شرایط جامعه از بُعد فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی باید این ارزیابی صورت پذیرد. راهکارهای ایجاد اشتغال را به تبع آن مورد بازبینی قرار داد و یکسری ایده‌ها و فکرهای نو و جدید را می‌بایست جایگزین فکرهای جاری نمود.

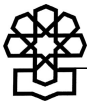
در همین شرایط کارآفرینانی وجود دارند که در بسیاری از زمینه‌ها نیاز به حمایت‌های اولیه دارند. رقم بالای کمک‌های فنی اعتباری نهاد ریاست جمهوری برای دانش‌آموختگان در گذشته و حال بررسی شود که اتفاقاً به بحث کارآفرینی و ایجاد اشتغال هم ارتباط دارد. تا چه حد موجب توسعه اشتغال در جامعه شده و علاوه بر این تا چه حد تأثیر گذاشته است. در هر حال باید گفت افرادی هستند که اگر امکانات در اختیار آن‌ها قرار گیرند، اقدامات و فعالیت‌های کارآفرینانه خوبی انجام می‌دهند. یک نکته دیگر موضوع تعاون است مطابق با اصل ۴۳ و ۴۴ قانون اساسی اقتصاد ما سه بخشی است دولتی، خصوصی و تعاونی این در حالی است که گفته می‌شود تا پایان برنامه چهارم می‌باید ۲۵ درصد اقتصاد ایران را بخش تعاونی شامل شود، این در حالی است که در کشور فرانسه ۹۰ درصد تولیدات دامی و کشاورزی در دست بخش تعاونی است. بنابراین بخش تعاون هم یکی دیگر از بخش‌هایی است که می‌باید مورد ارزیابی و مطالعه و مذاقه واقع شود، در طول این دو سال که اینجانب به‌عنوان کمیته تعاون و اشتغال در مجلس مشغول فعالیت هستم ندیده‌ام که یک لایحه از سوی وزارت تعاون به ما ارائه شود. اصولاً از دولت لایحه‌ای برای این قضیه اشتغال یا تعاون نیامده. تصمیماتی که تاکنون اخذ شده از سوی وزارت کار و امور اجتماعی بوده است. اخیراً همین افزایش سطح حداقل دستمزد در نوع خود مشکلاتی جدی در بطن جامعه ایجاد نموده است.



وزیر محترم مصاحبه نموده‌اند و گفته‌اند تفاوت محسوسی نسبت به بیکاری در سال گذشته نسبت به امسال وجود ندارد. برخی آمار حاکی از افزایش ۳۰ درصدی نرخ بیکاری است. این‌ها مجموعه مسائل و مشکلاتی است که می‌باید مورد ارزیابی واقع شوند و امید می‌رود که بالاخره مرکز پژوهش‌های مجلس با نگاهی خاص که به بحث دارد کار گروه‌های مستمری ایجاد تا بتوان در مجلس راهکارهای اساسی و مناسب برای این قضیه پیش‌بینی نمود. اکنون از این بحث مشاغل زودبازده واقعاً دید مثبت و روشنی استنباط نمی‌شود. اولین مصوبه دولت نهم صندوق مهررضا بوده که وقتی لایحه به مجلس آمد رأی نیاورد. یک فوریتی به کمیسیون ارائه گردید، رد شد. بعد آمد به صحن مجلس کشیده شد، به‌طور کلی رد شد و در نهایت شورای عالی دولت با ادغام سه تا صندوق (فرصت‌های شغلی، صندوق اشتغال روستاییان، صندوق تسهیلات و حمایت از جوانان) که مجلس راجع به اشتغال، مسکن و ازدواج جوانان تصویب کرده بود تحت عنوان صندوق مهررضا به زعم اینجانب چون مطالعه کافی و کامل صورت نگرفته خیلی محل اطمینان و اعتماد نخواهد بود.

از مراکز تحقیقاتی و مرکز پژوهش‌ها انتظار می‌رود در این رابطه راهکار معینی ارائه دهند. این بحث بنگاه‌ها و کوچک و زودبازده واقعاً جای امیدواری نیست. اینجانب زمانی که در شورای اشتغال استان شرکت کردم به‌عنوان مثال می‌گویند دویست شغل جدید ایجاد شده، ۵ میلیارد تومان می‌خواهد جذب کنند، بسیار خوب، چگونه؟ فرض کنید این را به صد و چهل نفر راننده تاکسی و مینی‌بوس و کامیون تسهیلات می‌دهند که وسایل نقلیه‌شان تبدیل به احسن شود. آیا این را می‌شود گفت مشاغل زودبازده و کارآفرین. همان رانندگان قدیمی ماشین‌های‌شان عوض شده است پس چگونه فرصت شغلی جدید ایجاد شده است؟ در حالی که واقعیت مطلب، شغلی ایجاد نشده است یا برای سهم اعتبار در گردش شرکت‌های تعاونی یا سایر شرکت‌های سهامی از این محل تسهیلات اعطا می‌شوند. بدون این‌که واقعاً شغلی اضافه شود و گاهی چون در این تسهیلات به اصطلاح درصد سودش پایین است، بعضی‌ها جریان سرمایه‌شان را در جای دیگر به‌کار می‌برند زیرا که تورم موجود در جامعه با نرخ سود تسهیلات بانکی مطابقت ندارد.

سرمایه مذکور در جای دیگر به‌کار گرفته می‌شود. از این طریق برای شرکت‌های‌شان سرمایه جذب می‌کنند در این جا باز اشتغال جدیدی به وجود نیامده است. مقصود اصلی و استدعای اصلی این است که ایجاد ۷۵۰ هزار شغل به‌منظور تثبیت میزان بیکاری یا اگر ایجاد یک میلیون شغل با هدف این‌که طی ۱۰ سال آینده مشکلی وجود نداشته باشد، نیازمند مطالعه و برنامه‌ریزی همه‌جانبه و پرهیز از اقدامات سطحی است. یک نمونه از اقدامات سطحی، آزمون‌های ادواری بود. سؤال شد به چه هدف این اقدام صورت می‌پذیرد؟ در پاسخ گفته شد تقاضای شغل را به تأخیر می‌اندازد. خوب این چه کاری است چرا باید این‌گونه می‌شد؟ چه مشکلی را از جامعه حل می‌نمود؟ ضمن



اینکه ۲۰ میلیارد تومان از ثبت نام پول اخذ می‌شد و بعد کلاً ۵۰۰ هزار جذب، در کل سازمان‌های دولتی می‌شدند. منظور اصلی این‌که بنگاه‌های کوچک نیز یک اقدام در همین وضعیت است. به اعتقاد بنده می‌باید دست کارآفرینان را گرفت تا این شغل ایجاد شود. دولت نقش بسترساز و حامی را دارد. بعد بنگاه مشتقه از این بستر در یک جای دیگر باز کارآفرینی می‌کند. مسأله مهم در این رابطه این‌که یک مرکز جمع‌آوری اطلاعات کاربردی برای اجرای طرح‌ها و پروژه‌ها وجود ندارد. مرکز مذکور می‌تواند رسالتش نظیر طرح‌های توجیه‌پذیر دارای توجیه فنی اقتصادی باشد.

از سوی دیگر فراهم نمودن اطلاعات روز دنیای تجاری که منجر به بهبود کیفیت کالاها و قابل رقابت با دنیای خارج باشد از مأموریت‌های این مرکز باید باشد.

منابع و مأخذ

1. Cole, D. and Cole, S. 1974. Locus of Control and Cultural Conformity: on going against the norm.
2. Etzkowitz, H. (2002), The Entrepreneurial University and the Emergence of Democratic Cotporatism, pp. 141-152 in Universities in the Global Knowledge Economy edited by Leydesdorff and Etzkowitz (2002).
3. McClelland, D.C. 1961. The achieving society. Princeton, NJ: Van Nostrand Reinhold. Personality and Social Psychology Bulletin 1:351-353.
4. Schumpeter, J. 1934. The theory of economic development. Cambridge, MA: Harvard University Press.
5. Shane Scott Edwin A. Locke Christopher J. Collins (2003) Entrepreneurial Motivation Human Resource Management Review 13 (2003) 257-279.
6. Yamada Jin – ichiro (2002) "Entrepreneurship as (Knowledge and Social Capital Creation: Theoretical Analysis of the Startup Stage of Firms" Kagawa University, The Institute of Economic Research Working Paper Series, No. ISSN – 0915-2288.
7. Mckelvey Bill (2004) Toward a complexity science of entrepreneurship Journal of Business Venturing 19 (2004) 313-341.
8. Romer, P. M. (1990), "Endogenous Technological Change", Journal of Political Economy 98, pp. 71-101.
9. Oliver Amalya L. (2004) Biotechnology entrepreneurial scientists and their collaborations Research Policy 33 (2004) 583-597.
10. ETZKOWITZ, H. (1998), "The norms of entrepreneurial science: Cognitive effects of the new university industry", Research Policy, Vol. 27, No 8, 823.
11. Looy Bart Van and et al (2002) "Balancing entrepreneurial and scientific activities: feasible or mission impossible?" Research Division INCENTIM Fac. ETEW.
12. Clark, B.R. (1998a) The Entrepreneurial University: Demand and Response, Tertiary Education and Management 4(1): 5-16.



شناسنامه گزارش

شماره مسلسل: ۸۰۱۱

عنوان گزارش: سلسله مباحث کارگاه‌های آموزشی و هم‌اندیشی پیرامون: بسترها و اقدامات قانونی و نهادی توسعه کارآفرینی در کشور «کارآفرینی مبتنی بر دانش شرط لازم برای اشتغال مؤثر دانش‌آموختگان آموزش عالی کشور» - (جلسه اول)

Report Title: String Discussive of workshops & conceptualizing about: Infrastructures legal & institutional acts for Entrepreneurship development in Iran.

First session: "knowledge based Entrepreneurship is the essential proviso for effective employment of graduate people".

نام دفتر: مطالعات اقتصادی

سخنران: یعقوب انتظاری

تهیه و تنظیم: افشین حیدرپور

ناظر علمی: —

متقاضی: معاونت پژوهشی

ویراستار: —

واژه‌های کلیدی و معادل انگلیسی آن‌ها: —

منابع و مآخذ تهیه گزارش:

در انتهای گزارش درج شده است.